



۳. أ. نظریه «صرفه» در مورد اعجاز قرآن را تقریر کنید. ب. عبارت فوق اشکال به این نظریه است. آن را توضیح دهید.

أ. قائل به نظریه صرفه می‌گوید: فصاحت و بلاغت و اسلوب قرآن، خارج از قدرت بشری نیست بلکه همانا آنچه مانع از این شده که کسی همانند قرآن را بیاورد عجزی است که خداوند فصیحی عرب را بدان مبتلا ساخته است.

ب. اگر عدم توانایی همانندسازی برای قرآن به خاطر دخالت عاملی غیر از برتری در اسلوب قرآنی بوده بایستی در تاریخ ثبت می‌شد و کسانی که در مقام ساختن مثل و مانند برای قرآن بوده‌اند به ناگاه خود را مواجه با امری غیر عادی که باعث تعجب آنها شده است می‌دیدند و گرنه اینگونه بود که آنها به خودی خود قادر به مشابه‌آوری بودند و اسلوب قرآن نیز در آن حدی نبود که مانع از این کار شود. در حالی که اصلاً چنین عذر تراشی از جانب فصحا و ... تا به حال مطرح نشده است.

۴. «تبعیت احکام از مصالح و مفاسد» و «اختیارات حاکم اسلامی» چگونه سبب خاتمیت دین اسلام می‌شوند؟ ۴-۳۳۳

عامل تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، سبب فتح باب تزامم احکام و ترجیح حکم واجد مصلحت مهمتر بر حکم دارای مصلحت کمتر شده و این باعث جاودانگی دین و شریعت خواهد بود. همچنین اختیارات حاکم اسلامی و اینکه وی دارای ولایت در احکام است سبب می‌شود که دین و شریعت اسلامی هیچ‌گاه در بن‌بست محصور نشود و همواره راه‌حلی برای همه مشکلات روبرو وجود داشته باشد.

۵. استدلال بر «لزوم نصب امام توسط پیامبر(ص)» از طریق دفع خطر دشمنان را تقریر کنید. ۲-۳۶۱

در هنگام وفات حضرت رسول(ص) دولت اسلامی از طرف شمال و شرق، توسط دو امپراطوری روم و ایران محاصره شده بود و از طرف دیگر وجود منافقین بددل در میان اصحاب پیامبر(ص) که به تعبیر قرآن، مرتب در حال فتنه‌گری و تضعیف مؤمنین بودند اقتضاء می‌کند که پیامبر(ص) برای دفع خطر این مثلث شوم، شخصی خاص را، پس از خود به امامت مسلمین نصب نماید؛ زیرا در غیر این صورت، احاله کردن کار به نظر مسلمین و انتخاب آنها سبب بروز اختلاف و در نتیجه عدم موفقیت در برابر خطر این مثلث شوم خواهد بود.

۶. دو پاسخ برای شبهه «ناسازگاری امامت حضرت حجت(ع) با غیبت ایشان» بیاورید. ۴-۳۹۳

۱. عدم علم به فایده غیبت امام، دلیل بر انتفاء فایده نیست؛ ۲. غیبت امام ملازم با عدم تصرف آن حضرت نیست؛ ۳. غیبت به معنای عدم دسترسی هیچ کس به آن حضرت(ع) نیست بلکه همواره چه در زمان غیبت صغری و چه در زمان غیبت کبری خدمت اما مشرف شده‌اند؛ ۴. تصرف امام در امور اجتماعی منحصر در این نیست که خود آن حضرت شخصاً در امور، تصرف کند، بلکه وکلا و نواب متعدد می‌توانند به امر آن امام، دستورات حضرتش را اجرا نمایند.

\* المعاد الجسماني لا يتوقف على كون البدن المحشور نفس البدن الدنيوي حتى في المادة الترابية بل لو تكون بدن الإنسان المعاد من آية مادة ترابية كانت و تعلقت به الروح و كان من حيث الصورة متحداً مع البدن الدنيوي يصدق على المعاد أنه هو المنشأ في الدنيا. ۲۰-۴۲

۷. ربط عبارت «بل لو تكون بدن الانسان ...» به قبل را توضیح دهید.

عبارت می‌گوید: در معاد جسمانی، شرط این نیست که بدن محشور شده عیناً از همان بدن خاکی دنیایی تشکیل شده باشد، بلکه همین که روح انسانی که در حقیقت صورت انسان است به بدنی که مشابه، بدن دنیایی است (اگرچه عیناً از مواد تشکیل یافته قبلی، ساخته نشده باشد) تعلق بگیرد، کافی است که بگوییم بدن قبلی اعاده شده است.

۸. در آیه ﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ \* وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً...﴾ (قصص/۷۵-۷۴) مقصود از کلمه «شَهِيد» کیست؟ چرا؟ ۴۴۳  
مقصود، نبی هر امتی است؛ زیرا شهادت دادن در روز قیامت. همواره شهادت بر حقیقت است و کسی که بتواند این‌گونه شاهد باشد حتماً عالم به حقایق اعمال است و او کسی جز پیامبر الهی نمی‌تواند باشد.

✱ استدلال علی عدم کون الجنة و النار مخلوقین بآنهما لو خلقتا لهلکتا لقوله تعالى: ﴿...كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...﴾ (قصص/۸۸) و الا لازم باطل للإجماع علی دوامهما، و للنصوص الشاهدة بدوام أَكُل الجنة و ظلّها و يلاحظ علیه: أَنّه ليس المراد من «الهالك» هو تحقّق انعدام كلّ شيء و بطلان وجوده، بل المراد أَن كلّ شيء هالك فی نفسه باطل فی ذاته؛ هذا بناء علی كون المراد بالهالك فی الآیة، الهالك بالفعل. ۴۷۱

۹. استدلال و پاسخ آن را توضیح دهید.

استدلال: اگر بهشت و جهنم، مخلوق باشند، به حکم آیه ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ﴾ هلاک و نابود شده‌اند؛ در حالی که به دلیل اجماع و روایاتی که نعمت‌های بهشتی را دائمی می‌داند نابودی بهشت پذیرفتنی نیست. جواب: اگر مراد از «هَالِكٌ» در آیه، نابودی بالفعل باشد، معنای آیه این است که هر موجودی در مرتبه ذاتش معدوم و هالک است (چون ممکن الوجود است) نه اینکه معنایش این باشد که موجودات پس از موجودیت هلاک می‌شوند. بر اساس این معنا آیه نافی وجود بهشت و جهنم نیست.